■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۷۹۸۳ ■ شنبه ■ ۲۹ مرداد ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۸ | اذان مغرب ۲۰/۰۷ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۴/۵۸ | طلوع آفتاب فردا ۶/۲۸

سخن روز

پیامبراکرم(ص) می‌فرمایند:
کسی که نمازرا ازوقتش تأخیربیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.
بحارالانوار، ج، ۸۳، ص ۲۰

فصل چهارم «نون خ» تابستان کلید می‌خورد

یدالله شادمانی: فصل چهارم سریال «نون خ» به کارگردانی سعید آقاخانی شهریورماه و تا پایان تابستان کلید می‌خورد و من همان نقش بهادرخان، شوهر خواهر آقای آقاخانی را ایفا می‌کنم. به نظرم این مجموعه جای خودش را میان مردم باز کرده و واقعاً درخشیده که به خاطر هنرمندی آقای آقاخانی است. آقاخانی یک بازیگر توانمند و کارگردان زبردست است که کارش را بلد است. من در سریال «راز بقا» هم با ایشان همکاری کردم و بسیار خرسندم. ایشان به من گفتند مرا تازه پیدا کرده و هر کاری داشته باشد محال است رهایم کند.

از صحبت‌های این بازیگر با ایسنا

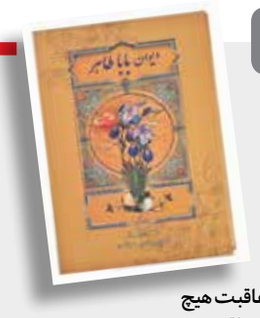

اگر زرین کلاهی عاقبت هیچ
اگر خود پادشاهی عاقبت هیچ
اگر ملک سلیمانت ببخشند
در آخر خاک راهی عاقبت هیچ

بابا طاهر

نـــگاره
رضا بدرالسماء

راه قدس از کربلا می‌گذرد

دوربین از روی دوشش نمی‌افتاد

آیین بدرقه پیکر زنده‌یاد بابک برزویه عکاس سینما و مطبوعات صبح روز جمعه ۲۸ مرداد با حضور خانواده او و جمع کثیری از چهره‌های فرهنگی، هنری و مردم از در مقابل خانه هنرمندان ایران برگزار شد. احترام برومند، سیامک انصاری، سیف‌الله صمدیان، کامران ملکی، علیرضا تابش، امیر عابدی، عباس سجادی، سیدمجید پوراحمدی، افشین شاهرودی، منوچهر شاهسواری، محمدمهدی عسگرپور، یونس شکرخواه، غلامرضا کاظمی دینان، علیرضا شجاع‌نوری و... از جمله حاضران در این مراسم بودند. بابک برزویه، هنرمند فقید عکاس در حوزه مطبوعات و سینما که از دی ماه سال گذشته در کما بسر می‌برد، ظهر سه‌شنبه، ۲۶ مردادماه درگذشت.

یادداشت

امیر عابدی
عکاس و تهیه‌کننده

۱۱- ۱۲ ساله بود که با نقشی کوتاه در فیلم سینمایی «مدرسه‌ای که می‌رفتیم» داریوش مهرجویی حضور در سینما را تجربه کرد. پس‌از سال‌ها، این تجربه به همکاری با فیلمسازانی چون فرشته طائرپور، مسعود کیمیایی، رسول ملاقلی‌پور، سیامک شایقی، پوران درخشنده و... و این بار در قامت عکاس رسید. آنقدر ذوق داشت که عکاسی برای فیلم هم اقناعش نمی‌کرد؛ به عنوان مثال برای «محاکمه در خیابان» مسعود کیمیایی کتاب عکس منتشر کرد. دوربین از روی دوشش نمی‌افتاد، ما خسته شده بودیم بس که همیشه او را با دوربین می‌دیدیم اما او از دوربین خسته نمی‌شد. به خاطر مشکلات دیسک کمر و گردن اغلب ما عکاسان فقط جاهایی که آفیش هستیم دوربین می‌بریم ولی برای بابک فرقی نداشت و دوربین یار جدا نشدنی او بود؛ همیشه همراهش بود و عکس و فیلم می‌گرفت. عکس می‌گرفت تا عکس‌هایش دیده شود و فضای مجازی به او کمک کرد تا یک نمایشگاه خانه‌های قدیمی تا کلاس‌هایش و پروژه‌هایی که به او سپرده شده بود و...

تقویمی از تولد و سال‌مرگ و... داشت و با عکس‌هایی که خودش گرفته بود و این مناسبت‌ها را یادآوری می‌کرد. عادت کرده بودیم هر روز، صبح‌مان را با استوری‌ها یا پست‌های تبریک بابک شروع کنیم. مقید بود اگر مثلاً به تماشای تئاتری دعوت شده بلافاصله عکس‌ها را به دست‌شان برساند. بعد از هر مراسم بلافاصله عکس‌ها را به کامپیوترش منتقل و گزینش می‌کرد سپس آنها را به‌دست صاحب اثر می‌رساند، برایش هم فرقی نمی‌کرد انگیزه خبر یک فیلم باشد یا گزارشی از یک نمایشگاه یا... در ایام جشنواره سی و چهارم که از او دعوت کردم تا در هیأت انتخاب داوران باشد هم این انرژی را می‌گذاشت. از غیرسینمایی و سینمایی، همه می‌شناختنش، چهره بشاش و خندان و پرانرژی‌اش آدم‌ها را جذب می‌کرد. بارها اتفاق افتاده بود به جاهایی رفته بودم و آدم‌هایی را دیده بودم که بابک را می‌شناختند در حالی که هیچ ربطی به او نداشتند. به خاطر همین خلق و خو و ارتباط خوبش با آدم‌ها بود که بلافاصله بعد از خبر تلخ رفتنش یکهو صفحه اینستاگرام پر شد از عکس بابک. من این را یک نوع خوشبختی می‌بینم که آدم‌ها اینقدر دوست داشته باشند و در خاطرشان بمانی و برایت وقت بگذارند. در چند ماه اخیر ممنوع‌الملاقات بود و کسی نمی‌توانست به دیدنش برود اما با هماهنگی خانواده چند باری توانستم ملاقاتش کنم که ای کاش ندیده بودمش؛ آن چهره بشاش و خندان به حجم بی‌حرکتی روی تخت بیمارستان تبدیل شده بود که هیچ حسی نداشت و با تکان‌های فیزیکی چشم‌هایش را می‌گشود اما واکنشی نداشت. دوربینی شده بود که نمی‌توانست عکاسی کند. نگاه تیزبینی که از یک گل ساده هم نمی‌گذشت نسبت به دنیای اطرافش بی‌تفاوت شده بود. در مراسم بزرگداشت خبرنگاران سینمایی که دو روز قبل از درگذشت بابک برگزار شد در بخش تجلیل از او از نبود امنیت شغلی برای عکاسان و خبرنگاران گلایه کردم و گفتم که تک تک این آدم‌ها ممکن است چند دقیقه دیگر به این وضعیت دچار شوند چرا مسئولان مربوطه تدبیری نمی‌کنند اما در همین روز هم که متعلق به اصحاب رسانه بود متأسفانه همکارهای خودمان هم درددل‌هایمان را انعکاس ندادند، در حالی که بلافاصله بعد از خبر فوت بابک حدود ۱۰۰ خبرنگار در عرض یک ساعت با من تماس گرفتند تا صحت و سقم آن را جویا بشوند. این یک درد فرهنگی است. کاش تا وقتی زنده هستیم از احوال و کم و کاستی کار هم جویا شویم! بابک رفت، خیلی‌های دیگر هستند که زنده‌اند و به سختی معیشت روزانه‌شان را تأمین می‌کنند. دوران بیماری بابک بالغ بر ۲ میلیارد هزینه داشت که مسلماً امثال من از پس این هزینه‌ها برنمی‌آییم. شاید مرگ بابک کمک کند تلنگری به مجموعه مدیران فرهنگی وارد شود و برای بیمه بیکاری و ازکارافتادگی ما فکری کنند. ایجاد امنیت شغلی کار ساده‌ای است اما به نظر می‌رسد اراده‌ای برای آن وجود ندارد. حدود ۳۰ سال است وقتی فیلمی درخواست پروانه ساخت می‌دهد از همان ابتدا جویا می‌شوند که لیست عوامل اعلام شود و این لیست فقط به چند حرفه از فیلمبردار، کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگر خلاصه می‌شود چه اشکال دارد اسم گریمور، طراح لباس، عکاس و... هم در این فهرست قید شود و با طراحی یک اپلیکیشن ساده تمام اطلاعات ثبت شود. کافی است کد نظام سینمایی ما در این اپلیکیشن قید شود تمام اطلاعات در دسترس اهالی رسانه و سینما خواهد بود و ساماندهی لازم صورت خواهد گرفت.

دور از فضای مجازی چه کسی هستید؟

یک فنجان چای

آزاده سهرابی
روانشناس

شما هم از آن دسته آدم‌هایی هستید که بیش از گفت‌وگوهای واقعی با اطرافیانتان، سرتان در گوشی‌های موبایل، تبلت، لپ‌تاپ و... است. اخبار را مرور می‌کنید، توئیت می‌کنید، اینستاگرام خود را چک می‌کنید و... این روزها از عضویت در انواع گروه‌های دوستانه، خانوادگی، اجتماعی، شغلی گریزی نیست. سرمان را برگردانیم می‌بینیم با دوست و غریبه مدام در حال چت کردن هستیم. حالا دیگر این اعتیاد آنقدر همه‌گیر شده است که حتی نمی‌توان اسم اعتیاد را بر آن گذاشت اما جایی که قرار باشد چند ساعت از تلفن همراه خود یا اینترنت دور باشید شاید متوجه عمق روابطی که در دل فضای مجازی ایجاد شده بشوید.

حالا کودکانمان هم به سبب مسائل بی‌شمار از جمله تک فرزندی، نبود فضاهای بازی در آپارتمان‌ها و... سرشان بیشتر به بازی‌های رایانه‌ای گرم است و فیلم و انیمیشن دیدن در این فضا.

آیا همه اینها بد است؟ آیا در چنین فضایی می‌توان از این همنشینی دوری کرد؟ این روزها منطقه محروم با عدم دسترسی به خدمات از جمله اینترنت معنی می‌شود. آیا می‌شود در این فضا خودخواسته به سمت محدودیت رفت؟ از سوی دیگر حالا این فضا امکانات بی‌شماری در اختیار گذاشته است. فاصله‌ها را نزدیک کرده و اطلاعات را در دسترس قرار داده است.

اما شاید مثل هر اعتیاد دیگری اینجا هم بحث افراط و آسیب که به میان می‌آید باید کمی تأمل کرد. به خیلی از کسانی که بیشتر وقت خود را در فضای مجازی می‌چرخند اعتراض که می‌کنید می‌گویند، زبان دنیای امروز یعنی همین ارتباطات گسترده مجازی. می‌گویند کمک کرده است دامنه مراودات اجتماعی گسترش پیدا کند و اتفاقاً کارها بهتر پیش می‌رود و بیشتر از دوست و خانواده خبر داریم.

در سوی دیگر روانشناسان، مشاوران ازدواج هشدار می‌دهند باید شکافی که حضور افراد در فضای مجازی در میان اعضای خانواده ایجاد کرده را جدی گرفت.

فاصله گرفتن از فضای واقعی با همه ابعادش و غرق شدن در فضای مجازی پایه‌های بسیاری از مشکلات زناشویی، رابطه والد فرزندی و حتی ایجاد سوءتفاهم در رفاقت‌هاست. حتی بسیاری از کارشناسان ترجیح می‌دهند بگویند هر کدام از زوجین که بیش از اندازه وقت خود را در فضای مجازی سپری می‌کند دچار نوعی خیانت به چهارچوب زندگی زناشویی شده است. شاید افراط به نظر برسد اما چگونه می‌توان بیشتر وقت در فضای مجازی بود و نیاز افراد حقیقی پیرامون از فرزند تا والدین و همسر را دریافت؟ فضای مجازی آنقدر فریبنده است که به‌راحتی افراد را به دام خیانت می‌اندازد. نوجوان‌ها را اسیر افراد زورگو و فریبنده می‌کند و حتی شما را وا می‌دارد برای خرید یک وسیله، ندیده هزینه زیادی بپردازید.

در بحث آسیب‌های زوجین، در دسترس بودن افراد در این فضا به آسانی و این فریب که دو کلمه حرف زدن با فلان همکار و دوست و حتی غریبه به جایی بر نمی‌خورد، فضا را برای ارتباط‌های گسترده‌تر باز می‌کند یا نهایتاً فرد را به تنوع‌طلبی و غرق شدن در خیالات یک ارتباط مجازی می‌اندازد.

در حوزه نوجوانی اولش با این نیت که برای درس‌ها به آن نیاز داریم به گفت‌وگوهایی در خارج از ادبیات فرهنگی خانواده می‌رسد و ناگهان سلیقه نوجوانان با موسیقی‌ها و انیمیشن‌ها و... راهی دیگر می‌رود.

در ارتباطات خانوادگی ناگهان می‌بینید دوهفته است افراد خانواده را ندیده‌اید اما نمی‌توانید بگویید از هم بی‌خبر بوده‌اید.

کلید مهم سنجش آسیب و اعتیاد از این فضا چیزی است که به شما تحمیل می‌شود و دور شدن خودتان از چهارچوب‌ها و اصول و ارزش‌هایتان است. گاهی افراد اسم انعطاف‌پذیری را روی آن می‌گذارند اما آیا شما همچنان می‌توانید میان روابط حقیقی و مجازی منعطف باشید؟

نکته دیگر این است که فاصله در بسیاری روابط لازم و ضروری است و از وابستگی فرد را نجات می‌دهد و استقلال را به همراه دارد. حالا فرض کنید از دیدار دوستی منفک شده‌اید اما همچنان مراوده در فضای مجازی ادامه دارد. در واقع استقلال در رابطه رخ نمی‌دهد و این خود آسیب‌های بسیاری به همراه می‌آورد.

شاید وقت آن است دو ساعت هر نوع وسیله ارتباطی را از خود دور کنید و ببینید در تنهایی چه افکار و احساساتی سراغتان می‌آید. آنها را جدی بگیرید.

اینترنت ترابی؛ حاصل نداشتن سواد رسانه‌ای

یادداشت

دکتر حجت عرفانیان‌پور
مدرس سواد رسانه

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی برای کاربران این فضای هوشمند، آسانی‌ها و تسهیلات زیادی را فراهم کرده و نمی‌توان منکر موهبت‌های این شبکه جهانی مدرن شد؛ اما در کنار این موهبت‌ها اگر فرهنگ، آگاهی و آموزش کافی نداشته باشیم، بی گمان با چالش‌های خرد و کلان مواجه می‌شویم و ممکن است گاه به مخاطره نیز بیفتیم. یکی از بارزترین مصادیقی که در حال حاضر هم در جامعه پزشکان و روان درمانگران هم برای متخصصان سواد رسانه یک دغدغه به شمار می‌آید، مسأله خوددرمانی از طریق اینترنت است و از آن با عنوان اینترنت ترابی یا گوگل ترابی نام برده می‌شود. پیش از وجود اینترنت هم نوع مرسوم تر این پدیده وجود داشت که به نام‌هایی عامیانه چون فامیل درمانی خوانده می‌شد و غالباً نیز از سوی نزدیکانی چون مادر، خواهر، خاله، دایی، عمو، مادربزرگ و... توصیه‌هایی بر مبنای تجربیات خود یا تجویزی که پزشک یا روان درمانگری در گذشته برای آنها کرده و سبب بهبود حال روح یا جسم‌شان شده بود، از سر مهربانی و البته مهری که همراه با ناآگاهی و سهل‌اندیشی بود، صورت می‌گرفت. امروزه همین اتفاق در فضای هوشمند شبکه جهانی اینترنت رخ می‌دهد. اینترنت ترابی، پدیده‌ای است که می‌توان آن را در شمار مخاطرات و چالش‌های تکنولوژی و دنیای مدرن دانست؛ اما علت بروز این پدیده چیست؟ نخستین دلیل آن، نداشتن دسترسی سریع و آسان به جامعه درمانگران، مانند پزشکان، مشاوران و روان‌شناسان است. علت دیگر، هزینه‌های سرسام‌آور درمان و نداشتن پوشش بیمه‌ای مناسب و آخرین سبب نیز، تنبلی و تن آسانی است و اینکه ما این روزها برای حل تمامی مشکلاتمان به یک جست وجوی اینترنتی بسنده می‌کنیم؛ حال آنکه در بسیاری از مواقع این جست‌وجوها از منابع معتبر هم نیست؛ حتی گاهی ممکن است برخی از اطلاعات اینترنتی درست و نشانه‌های ذکر شده با حال و هوای ما همخوانی داشته باشد؛ اما به هیچ وجه بسنده نباشد و اینجاست که تخصص یک شخص معنا پیدا می‌کند. در واقع یک فرد متخصص آزمون و خطا نمی‌کند و با در نظر گرفتن شرح حال کامل و شرایط دقیق روحی یا جسمی، سن و جنسیت بیمار و با کنترل و بررسی همه جوانب و پس از سال‌ها تحصیل و مطالعه و تجربه، به تجویز یا دادن راهکار می‌پردازد. بنابراین اگر با یک سرچ ساده می‌شد به اطلاعات کامل و دقیق دست یافت و درمان کرد، تحمل سال‌ها دشواری و فشار و سختی برای افراد متخصص بی‌معنا بود. بی تردید این گونه درمان‌ها آسیب‌های خود را در پی خواهد داشت. یکی از این آسیب‌ها تشخیص نادرست بیماری‌های روحی یا جسمی است. آسیب دیگر که چنین افرادی بسیار با آن مواجه می‌شوند، ریسک‌های دارویی است که ممکن است بدن بیماران مختلف واکنش‌های متفاوتی نسبت به آن نشان دهد. روشن است که یک درمانگر براساس همه فاکتورها و شرایط بالینی بیمار، نسخه یا دارویی را برای زمان مشخصی تجویز می‌کند. یادمان باشد که فامیل درمانی و خوددرمانی و نوع مدرن آن اینترنت ترابی، درست است مسیر ما را کوتاه می‌کند؛ یا دسترسی سریع و آسانی برای ما فراهم می‌کند؛ اما کاری کاملاً غیرتخصصی است و هزینه‌های ما را کاهش نمی‌دهد. اما راهکار چیست؟ ما می‌توانیم اطلاعات اینترنتی را مطالعه کنیم تا نسبت به موضوع کمی آگاه‌تر باشیم؛ اما بدیهی است که این اطلاعات هرچند از جانب یک فرد متخصص به اشتراک گذاشته شده باشد، اطلاعاتی عمومی است و کاربرد شخصی و تخصصی ندارد. برای دوری از پدیده اینترنت ترابی و تبعات آن ضرورت دارد که حمایت کامل و پوشش‌های بیمه‌ای مناسبی، هم برای درمانگران و هم برای بیماران فراهم شود تا مردم از این پدیده نوظهور آسیب کمتری ببینند.

روایتی از تجربه‌های موفق و ناموفق یک مدیر فرهنگی

پیشنهاد

حجت عدالت‌پناه
پژوهشگر و مستندساز

«تجربه‌نگاری»؛ حلقه مفقوده نظام اداری ما است. خیلی وقت‌ها، پست‌ها و صندلی‌های مدیریت‌های خرد و کلان در کشور جابه‌جا می‌شود بدون آنکه تجربه‌های مدیر پیشین با سال‌ها آزمون‌وخطا به مدیر بعدی به‌درستی منتقل شود و مدیر جدید در طول دوران مدیریتش، یا همان آزمون‌وخطاهای مدیر قبلی را تکرار می‌کند و یا بعد از مدتی که ایده‌هایش ته کشید، اسیر روزمرگی و از دست دادن زمان شده و همین سبب ضایع شدن بخش مهمی از سرمایه‌های مادی و انسانی ما می‌شود.

تجربه‌نگاری با خاطره‌نویسی متفاوت است. تجربه‌نگاری، کتابچه بیلان کارکرد پر از اعداد و ارقام و عکس‌های خبری با ژست مدیریتی است، نیست. تجربه‌نگاری اگر همراه با ذوق هنری باشد حتی می‌تواند گونه‌ای از ادبیات باشد که با روایت‌های پر از نکات آموزنده بسانِ یک داستان یا رمان هر خواننده‌ای را با ذوق و شوق همراه سازد هرچند بدون قرابت با آن عرصه کاری. کتاب کم‌حجم «مترو، مخاطب، حرکت»، تجربه‌نوشته دوست عزیز و فرهیخته، محمد نیکدل است که چند سالی به‌عنوان کارشناس و مدیر فرهنگی در مترو تهران مشغول به کار بوده.

در این کتاب، شما می‌توانید علاوه‌بر ظرفیت‌ها و چالش‌های فعالیت فرهنگی یا به قول خودش عملیات فرهنگی در مترو تهران و نکاتی آموزنده درباره ساختار فیزیکی مترو و تردد با مترو تا حدودی به منظومه فکری یک مدیر فرهنگی پرانگیزه و همچنین به تجربه‌های موفق و ناموفق او پی ببرید. مطالعه این کتاب را که به همت انتشارات «راه‌یار» منتشر و روانه کتابفروشی‌ها شده به مدیران عرصه‌های مختلف و بویژه مدیران فرهنگی و البته به همه کسانی که زیاد با مترو تردد می‌کنند، توصیه می‌کنم. نگاهتان به در و دیوار و پله و سالن و ایستگاه و در و دستگیره و واگن‌های مترو متفاوت خواهد شد.

مترو، مخاطب، حرکت
نویسنده: محمد نیکدل
انتشارات راه‌یار

هنرمندان در فضای مجازی

صفحه مجازی اهالی فرهنگ و هنر از فعالیت‌های تازه و اخیرشان خبر می‌دهد که آنها را با مخاطبان‌شان به اشتراک می‌گذارند.

■ **چهره‌ها**

رویا تیموریان بازیگر نام آشنای سینمای ایران، از درگذشت بابک برزویه نوشته: «بابک جان برای همه خاطرات خوش بجا گذاشتی. آرام و مهربان بودی. روحت شاد عزیز. یادت با ماست.»

یوسف حاتمی کیا از افتتاحیه فیلم «شب طلایی» گفته که کارگردانی و نویسندگی آن را برعهده داشته: «شب طلایی برای من دیشب بود. شبی که افتتاحیه فیلم رو کنار عزیزان کهریزک برگزار کردیم .لحظه لحظه‌اش برای من و همکارانم افتخاری بود که نتیجه زحماتمان در چشمان همیشه منتظر مادران و پدرانی به نمایش درمی‌آمد که روزگاریست چشم انتظار آمدن فرزندانشان هستند.چه سعادتی از این بالاتر، چه حالی از این زیباتر که آنها تماشاگر فیلم ما بودند. مادرانم، پدرانم، برادرانم، خواهرانم، ممنونم که این چنین میزبان مهربانی برای ما بودید.» یکتا ناصر هم به اکران این فیلم در پردیس سینمایی کوروش اشاره کرده که دیروز جمعه با حضور مریم سعادت، یکتا ناصر، مسعود کرامتی، سوگل خلیق، سینا رازانی و ابراهیم حاتمی کیا برگزار شد.

سالار عقیلی از اولین دوره آکادمی موسیقی‌اش نوشته که بنا براین خبر با هدف کشف و پرورش استعدادهای حوزه آواز با حضور استاد محمدعلی بهمنی و حمیدرضا گلشن برگزار می‌شود. تاریخ آزمون ورودی دوم، سوم و چهارم شهریور است.

علی قمصری همچنان از پروژه تار ایرانی می‌نویسد که این بار در روستای آدران، قلعه قاجاری، قطعه «راز رسوایی» را نواخته و در توضیح این ویدیو نوشته: «هربار، جنونی دلنشین، مرا به استفاده از تمام پیکره تار وامی دارد و سازم نیز از تن و بدنش، چیزی جدید به دستانم هدیه می‌دهد. انگار سخن، بین من و او پایانی ندارد. با هر قطعه، انگار پیش هم رسوا می‌شویم. برملا می‌شویم. بازیگوشی می‌کنیم و در هم تنیده می‌شویم. من تارم را همین قدر، همراه، دوست دارم و او هم با بد و خوب من کنار آمده. وقتی دو موجود در عمق وجودشان می‌دانند که متعلق به همدیگر هستند، روح‌شان را در اختیار هم می‌گذارند.»

افشین هاشمی به قسمت سوم مجموعه تلویزیونی «شبکه مخفی زنان» اشاره داشته که کارگردانی آن را برعهده دارد. این قسمت از این سریال دیروز جمعه منتشر شد و در کپشن این بخش نوشته: «آنقدر نخوردین نخوردین تا ریخت و قیافه‌تون هم شده شبیه این فرنگی جماعت!» تهیه‌کننده این کار محمدحسن شانه‌ساززاده است و بازیگران اصلی آن سیامک انصاری، مهدی هاشمی، لیلا حاتمی، شبنم مقدمی، باران کوثری، شقایق دهقان، امیرحسین رستمی و حمید فرخ‌نژاد هستند.

رضا یزدانی نوشته ترانه تیتراژ فیلم سینمایی «شب هامون» منتشر شده است.

■ **دیگه چه خبر**

آنونس فیلم سینمایی «تارا» به کارگردانی کاوه قهرمان رونمایی شد. خبری که مهدی پاکدل بازیگر این فیلم در صفحه مجازی‌اش اعلام کرده. در این خبر آمده این فیلم سینمایی بزودی در سراسر کشور بر پرده می‌رود. رعنا آزادی‌ور، مهدی پاکدل، نازنین فراهانی، سروش صحت، معصومه بیگی و مجید نوروزی بازیگران «تارا» هستند.«تارا» اولین فیلم بلند سینمایی است که کاوه قهرمان کارگردانی می‌کند. او پیش از این در زمینه ساخت فیلم کوتاه و تیزرهای تبلیغاتی فعال بود و جوایز معتبری نیز دریافت کرده است. تهیه این فیلم سینمایی را سید غلامرضا موسوی بر عهده دارد و سینا شَعربافی تهیه‌کننده اجرایی آن است.

صفحه بازیگران و عوامل فیلم سینمایی «یاغی» همچون طناز طباطبایی و علی شادمان به اکران این فیلم در شیراز اشاره داشته: «در کنار مردم خوش ذوق و پر شور شیراز. بماند به یادگار»

اجرا خوانی نمایشنامه «اولئانا» نوشته «دیوید ممت» با حضور آتیلا پسیانی و دراماتورژی و کارگردانی مهتا محدث بزودی در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌آید. خبری که آتیلا پسیانی در صفحه شخصی‌اش به آن اشاره کرده.« یا زنان؟ آیا مردان؟ واقعیت همیشه همان حقیقت نیست.»اولئانا یکی از مشهورترین نوشته‌های دیوید ممت و اخیراً تجربه کارگردانی مهتا محدث است که به واکاوی حقایقی مبهم و مه‌آلود از بزرگ‌ترین چالش این روزهای جامعه بویژه در سینما و تئاتر هم می‌پردازد. واقعیت‌هایی که شاید همان حقیقت نیست.

عکس نوشت

پخش سری چهارم برنامه «نشان ارادت» به تهیه‌کنندگی پویان هدایتی، اجرای حسین متولیان و کارگردانی محمدعلی بای از امروز (شنبه ۲۹ مردادماه) در شبکه دو آغاز می‌شود. «نشان ارادت» هر روز ساعت ۱۷:۳۰ روی آنتن شبکه دو سیما می‌رود و ساعت ۲۴ همان روز، تکرار آن پخش خواهد شد. در این برنامه میهمان‌ها از ارادت خود به سیدالشهدا(ع) می‌گویند و روایت خود از توسل به امام حسین(ع)، خاطرات مختلف ایام عزاداری، راهپیمایی اربعین و... را بیان می‌کنند. در سری جدید برنامه، علاوه بر چهره‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، هنری، ورزشی و... مردم هم حضور دارند؛ همچنین بخشی از برنامه به معرفی آیین‌ها و مناسک عزاداری اقوام مختلف کشورمان اختصاص دارد./روابط عمومی برنامه